یادداشت روز

«زاویه‌دارها» مشغول کارند!

۱- جناب آقای «حسن قشقاوی»، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، اخیراً پرده از موضوعی برداشته که اگرچه در ظاهر یک خبر اقتصادی است، اما در باطن، آینه‌ای تمام‌قد از یک خطای راهبردی و پرهزینه است. او گفته است که در سه دور مذاکرات ژنو پیش از جنگ دوازده روزه، ایران پیشنهاد همکاری اقتصادی به ارزش حدود ۵۰۰ میلیارد دلار به شرکت‌های آمریکایی ارائه کرده بود. پیشنهادی که در حوزه‌های نفت و گاز، معدن، محیط‌زیست و حمل‌ونقل تنظیم شده بود و مسئولان اقتصادی و مدیران وزارت امور خارجه نیز برای ارائه این ظرفیت‌ها در مذاکرات حضور داشتند.

۲- هدف چه بود؟ به تصور تدوین‌کنندگان این پیشنهاد، نشان دادن فرصت‌های اقتصادی و سودآوری می‌توانست زمینه همکاری شرکت‌های آمریکایی با ایران را فراهم کند و به این ترتیب، چرخه تنش و تقابل را متوقف سازد.

اما این نماینده محترم مجلس یک جمله کلیدی نیز بر زبان راند که تمام این ماجرا را در یک خط خلاصه می‌کند: «آن‌قدر به ما گفتند ترامپ تاجر است که قبل از جنگ به آمریکا پیشنهاد همکاری ۵۰۰ میلیارد دلاری دادیم.»

در خصوص این اظهارنظر گفتنی‌هایی است که در ادامه به آن می‌پردازیم:

۳- پیشنهاد ۵۰۰ میلیارد دلاری بر یک فرض استوار بود و آن اینکه ترامپ یک تاجر است و تاجر با دیدن منافع اقتصادی، مسیر خود را تغییر می‌دهد. این فرض، در نگاه اول منطقی به نظر می‌رسد. اما با درنظر گرفتن این نکته مهم که «اختلاف میان جمهوری اسلامی ایران و ساختار حاکمیتی آمریکا، اختلافی وجودی و ذاتی است و نه تاکتیکی»، می‌بینیم که این پیشنهاد کاملاً غلط و خسارت‌بار است.

به عبارت دیگر، ایران و آمریکا در ماهیت با یکدیگر مشکل دارند. بر همین اساس، این درگیری در دو حالت به پایان خواهد رسید که نخستین راه آن این است که حکومت ایران از اسلام و مقاومت در برابر استکبار دست بکشد. دومین راهکار نیز این است که آمریکا از سلطه‌گری و غارتگری و جنایت دست بکشد و به قول امام راحل(ره)، آمریکا از خر شیطان پیاده شود.

پس بنابراین، چون جمهوری اسلامی ایران از مقاومت و ایستادگی مقابل استکبار دست نمی‌کشد و دولت تروریست آمریکا نیز از سلطه‌گری دست نمی‌کشد، این نبرد ادامه خواهد داشت و همان‌طور که خداوند متعال وعده داده است، پایان این رویارویی، نابودی استکبار و در رأس آن آمریکای جنایتکار خواهد بود، ان‌شاءالله.

آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران، هیچ‌گاه نه به دنبال صلح بوده و نه به دنبال همکاری اقتصادی پایدار، بلکه به دنبال فروپاشی و تجزیه ایران بوده است.

۴- از اواخر سال ۱۴۰۳ و پس از شروع مذاکرات دولت ایران و دولت آمریکا، فعالان طیف مدعی اصلاحات و از جمله برخی از اعضای دولت پزشکیان مدعی بودند که توافق با ترامپ موجب خواهد شد ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی به ایران سرازیر شود.

این اعداد، نه یک پیش‌بینی اقتصادی، بلکه یک عملیات روانی بود. این طیف، وعده‌های برجامی دروغین را ده برابر کرده بودند. گویی که تجربه یک‌باره برجام کافی نبود و باید همان اشتباه، این بار با ابعادی بزرگ‌تر و وعده‌هایی افسانه‌ای‌تر تکرار می‌شد.

اما با حمله مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی در خرداد ۱۴۰۳، معلوم شد که تمام آن فضاسازی‌ها، از اساس دروغ و صرفاً پازل عملیات فریب دشمن آمریکایی-صهیونی را تکمیل کرده است.

۵- جریان غرب‌گرا و طیف مدعی اصلاحات، در دولت روحانی و پس از نهایی شدن توافق برجام مدعی بود که ۱۵۰ میلیارد دلار پول بلوکه‌شده و ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی به ایران می‌آید. اما تا دو سال و نیم بعد که ترامپ برجام را به هم زد، فقط شرکت توتال تفاهم‌نامه ۴ میلیارد یورویی را امضا کرد؛ همان شرکتی که پس از جمع‌آوری اطلاعات سرّی پارس جنوبی، توافق را به هم زد و یک‌طرفه و بدون پرداخت خسارت، از توافق خارج شد.

این، تنها یک نمونه از خالی‌فروشی جریان غرب‌گرا و طیف مدعی اصلاحات بود. خالی‌فروشی‌هایی که نه فقط در اقتصاد، بلکه در سیاست نیز آثار مخربی بر جای گذاشت. برآیند این تخیلات و خالی‌فروشی‌ها، رسیدن معدل اقتصادی هشت‌ساله کشور به نزدیک صفر درصد و تعطیلی هشت‌هزار کارخانه بود.

۶- روزنامه واشنگتن‌پست در ۲۸ آذر ۱۴۰۴ (چندین ماه پس از جنگ ۱۲روزه) در گزارشی نوشت: «طرح حمله به ایران (در خرداد ۱۴۰۳) از مدت‌ها پیش از سوی ترامپ و نتانیاهو برنامه‌ریزی شده بود و این دو با نقشه فریب از طریق مذاکره، در ماه‌های پیش از حمله، یک بازی وجود اختلاف بین خود را به نمایش گذاشتند.»

این روزنامه آمریکایی در ادامه نوشت: «آمریکا و اسرائیل تعمداً نشانه‌هایی از وجود تنش بین خود را فاش کردند؛ ولیکن کسی که با جزئیات آشنا بود، می‌دانست که تمام گزارش‌هایی که در مورد عدم توافق نتانیاهو با ترامپ نوشته شده بود، درست نبود. اما خوب بود که این برداشت عمومی از شکاف و اختلاف میان آمریکا و اسرائیل شکل بگیرد؛ این مسئله به پیشبرد برنامه‌ریزی جنگ بدون جلب توجه کمک کرد.»

این اعتراف، پرده از یک واقعیت تلخ برمی‌دارد و آن اینکه، مذاکره، برای آمریکا نه ابزار صلح، بلکه ابزار جنگ است.

۷- «داگلاس مک‌گرگور»، افسر بازنشسته و مشاور سابق پنتاگون - ۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ - در گفت‌وگویی تصریح کرد: «مذاکرات اساساً یکی از ابزارهای جنگی آمریکاست و واشنگتن هرگز از دیپلماسی برای رفع اختلافات و رسیدن به مصالحه استفاده نمی‌کند، بلکه از آن پوششی برای فریبکاری در میدان رزم می‌سازد.»

این افسر بازنشسته آمریکایی در ادامه افزود: «واشنگتن هیچ‌گاه مذاکرات را به‌عنوان مسیری واقعی برای رسیدن به یک توافق متقابل و پایدار دنبال نکرده، بلکه از ایده مذاکره صرفاً به‌عنوان یک ابزار تاکتیکی استفاده می‌کند. به تعبیر او، گفت‌وگوهای اسلام‌آباد بیشتر شبیه به یک داستان است و از ابتدا یک پوشش سیاسی برای خرید زمان، آرام‌کردن بازارها و ایجاد یک فضای تنفسی برای آمریکا و اسرائیل بود تا بتوانند خود را برای دور بعدی درگیری آماده کنند.»

۸- و اما آدرس‌های غلط در معرفی دولت تروریست آمریکا، یکی از نشانه‌های حضور زاویه‌دارها در دولت است. رهبر شهید انقلاب در ۵ تیرماه ۱۴۰۳ خطاب به نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری فرمودند: «من به نامزدهای محترم انتخابات عرض می‌کنم با خداوند خودتان عهد کنید که اگر موفق شدید و توانستید مسئولیتی به دست بیاورید: کسان و کارگزاران خود را از کسانی قرار ندهید که ذره‌ای با انقلاب زاویه دارند. آن کسی که با انقلاب، با امام راحل، با نظام اسلامی ذره‌ای زاویه داشته باشد به درد شما نمی‌خورد و همکار خوبی برای شما نخواهد بود.»

ایشان در ادامه تأکید کردند: «آن کسی که دلبسته آمریکا باشد و تصور کند که بدون لطف آمریکا نمی‌شود قدم از قدم برداشت در کشور، برای شما همکار خوبی نخواهد بود. او از ظرفیت‌های کشور استفاده نخواهد کرد و خوب مدیریت نخواهد کرد. آن کسی که راهبرد دین و شریعت را مورد بی‌اعتنایی قرار دهد او با شما همکار خوبی نخواهد بود. کسی را انتخاب کنید که اهل دین، اهل شریعت، اهل انقلاب، اهل اعتقاد کامل به نظام باشد. اگر شما نامزدهای محترم یک چنین عهدی با خدای خودتان ببندید بدانید که کارهایی که برای انتخابات می‌کنید همه‌اش حسنه خواهد بود.»

این هشدارها، نه یک توصیه اخلاقی، بلکه یک راهبرد حکمرانی بود و امروز، بیش از هر زمان دیگری، درستی آن آشکار شده است.

رهبر شهید انقلاب همچنین در ۶ شهریور ۱۴۰۳ در نخستین دیدار هیئت دولت چهاردهم با ایشان در بخشی از بیانات تأکید کردند: «در استفاده از کارشناسان باید مراقب بود که ته‌نشین‌های ذهنی غلط در لباس و ادبیات کارشناسی خود را تحمیل نکنند.»

این جمله، دقیقاً به همان جریان زاویه‌داری اشاره دارد که «خالی‌فروشی» و «آدرس غلط» را در قالب «کارشناسی» به دولتمردان و تصمیم‌گیران تحمیل می‌کند.

۹- رهبر شهید انقلاب همچنین در این دیدار، کلید حل مشکلات اقتصادی کشور را در تولید و تقویت و افزایش عرضه دانستند و فرمودند: «با تقویت و جدی گرفتن مسئله تولید، مشکلات تورم، اشتغال و ارزش پول ملی حل می‌شود.»

این راهبرد، در تقابل کامل با راهبرد خالی‌فروشان و رؤیافروشان قرار دارد که به جای تولید و حمایت از توان داخلی، به آمریکا دل خوش کرده‌اند.

۱۰- در مجموع باید گفت که اولاً، آمریکا نه شریک است و نه مشتری. ساختار حاکمیتی آمریکا با جنایت، غارتگری و سلطه‌گری عجین شده است و هدف نهایی آن، بلعیدن سایر کشورها و از جمله ایران است.

ثانیاً، تجویز تعامل با ترامپ از طریق روش‌های اقتصادی، خطایی راهبردی است. به نظر شما فردی که به غارت دیگر کشورها افتخار می‌کند، دنبال تعامل اقتصادی برد-برد است؟!

ثالثاً، خالی‌فروشان و رویافروشان، نه فقط اقتصاد و معیشت مردم، بلکه اعتماد عمومی را نیز نابود می‌کنند. رابعاً، راه‌حل مشکلات اقتصادی، نه در سرمایه خارجی، بلکه در تولید داخلی و روابط عزتمندانه خارجی است. خامساً، حضور زاویه‌دارها در دولت، نه یک خطای ساده، بلکه یک تهدید راهبردی است و راه‌حل در تصفیه دولت از زاویه‌دارها است.

مسعود اکبری

در دیدار با عراقچی

وزیر خارجه چین: آماده‌ایم قاطعانه از حقوق ایران دفاع کنیم

وزیر امور خارجه چین با تأکید بر شراکت راهبردی پکن و تهران اعلام کرد که چین آماده است ضمن تقویت گفت‌وگو و همکاری با ایران، از حقوق و منافع مشروع جمهوری اسلامی ایران دفاع کند.

وانگ‌یی، وزیر امور خارجه چین روز چهارشنبه (۲۵ شهریورماه) در دیدار با عباس عراقچی، همتای ایرانی خود در پکن، بر اهمیت روابط راهبردی دو کشور تأکید کرد.

وانگ‌یی گفت: «چین و ایران از شراکت راهبردی جامع برخوردارند. چین همچنین آماده است گفت‌وگو و همکاری با طرف ایرانی را تقویت کند و قاطعانه از حقوق و منافع مشروع ایران دفاع کند.»

وزیر امور خارجه چین با اشاره به جایگاه ایران در روابط خارجی پکن، جمهوری اسلامی ایران را یک شریک راهبردی توصیف کرد و بر آمادگی چین برای حمایت از منافع مشروع ایران تأکید کرد.

وانگ یی پیش از این و در حاشیه نشست بریکس (که شنبه و یک‌شنبه در هند برگزار شد) نیز با عراقچی دیدار و رایزنی کرده بود.

این اظهارات در جریان سفر عباس عراقچی به پکن و دیدار او با وانگ‌یی مطرح شده است. دو طرف در این دیدار درباره روابط دوجانبه و راه‌های تقویت همکاری‌های میان ایران و چین گفت‌وگو کردند.

وزیر امور خارجه چین همچنین در بیانیه‌ای درباره دیدارش با وزیر خارجه ایران اعلام کرد: «نمی‌خواهیم شاهد تشدید بیشتر تنش‌های منطقه‌ای و گسترش آن به یمن و دریای سرخ باشیم». به گزارش فارس، وی گفت: «از واشنگتن و تهران می‌خواهیم درباره مسائل باقی‌مانده وارد رایزنی‌های جدی شوند و بر اساس توافق حاصل‌شده از زمان تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، چارچوب مذاکرات را بازسازی کنند».

عراقچی: جایی برای حضور و دخالت‌های بیگانگان در منطقه نیست

عراقچی نیز در دیدار با همتای چینی خود با اشاره به پیوندهای دیرینه بین ایران و چین، چین را دوست نزدیک و شریک راهبردی ایران توصیف و بر اراده جدی و راسخ دولت جمهوری اسلامی ایران برای ارتقای همه‌جانبه مناسبات راهبردی و دوستانه ایران و چین در چارچوب مشارکت جامع راهبردی ایران و چین بر مبنای احترام و اعتماد متقابل تأکید کرد.

وزیر امور خارجه با تأکید بر اهمیت روابط ایران و چین تصریح کرد: روابط دو کشور با اراده رهبران دو طرف و اعتماد سیاسی موجود، در سطح راهبردی هدایت می‌شود و ایران اهتمام ویژه‌ای برای پیشبرد و تقویت روابط در عرصه‌های مختلف دارد.

آمادگی ایران برای دفاع مقتدرانه از حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی

وی ریشه شرایط کنونی در منطقه را ناشی از تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران دانست و با اشاره به اینکه مبارزه، مقاومت و ایستادگی ملت ایران موجب ناکامی و شکست متجاوزان در دستیابی به اهداف نامشروع‌شان شد، از موضع اصولی چین در محکوم کردن نقض اصول بنیادین منشور ملل متحد توسط آمریکا و اسرائیل و همچنین رویکرد مسئولانه آن کشور در قبال سوءاستفاده آمریکا از شورای امنیت سازمان ملل تقدیر کرد.

وزیر امور خارجه ایران تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران ضمن آمادگی کامل برای دفاع مقتدرانه از حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی و صیانت از امنیت و منافع ملی ایران در مقابل متجاوزان، از راه‌حل‌های دیپلماتیک که به حقوق ملت ایران را تامین کند، استقبال می‌کند. عراقچی تصریح کرد: شرایط منطقه بعد از جنگ تجاوزکارانه علیه ایران دچار تغییرات اساسی شده است و در نظم جدید منطقه‌ای که با گفت‌وگو و همکاری کشورهای منطقه همراه خواهد بود، جایی برای حضور و دخالت‌های نیروهای بیگانه وجود ندارد.

خواهان بازگشت آرامش به منطقه هستیم

عراقچی همچنین با اشاره به نقض عهد مکرر طرف آمریکایی از جمله نقض مفاد تفاهم اسلام‌آباد در کمتر از سه هفته بعد از امضای تفاهم و توقف اجرای آن افزود: ما ضمن تأکید بر اصول خود و ایستادگی برای احقاق حقوق مسلم ملت ایران، خواهان بازگشت آرامش به منطقه و روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز با همسایگان هستیم و در همین راستا گفت‌وگو با کشورهای منطقه را آغاز کرده‌ایم.

در زمان مناسب میزان واقعی تلفات نیروهای آمریکایی را افشا خواهیم کرد

همچنین عراقچی شامگاه سه‌شنبه (۲۴ شهریورماه) در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس، نوشت: «ادعا: ایران بی‌دفاع است.

واقعیت: صدها پایگاه و تأسیسات نظامی آمریکا درهم کوبیده شده و ده‌ها فروند هواپیمای آمریکایی به آتش کشیده شده‌اند. (منبع: پنتاگون)

به گزارش ایرنا، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد: این فقط مشتی از خروار است! در زمان مناسب میزان واقعی تلفات نیروهای آمریکایی را افشا خواهیم کرد و روسیاهی برای آنها که به دروغ ادعا می‌کنند ایران بی‌دفاع است خواهد ماند!»

گفت و شنود

بقیه در پشت صفحه!

گفت: آقای عطریانفر، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت و از فعالان اصلاح‌طلب، نوشته است؛ «عصر سازندگی و اصلاحات از سال ۶۸ تا ۸۴ رخ داد و همه ما انتظار داشتیم که مسیر کشور آن باشد، اما متأسفانه شکست خورد»!

گفتم: نگفته که دولت‌های سازندگی و اصلاحات چه گُلی به سر ایران و مردم ایران زده‌اند؟ و چه دستاوردی داشته‌اند؟!

گفت: ایشان در این باره توضیحی نداده و مثلاً نگفته‌اند که اگر آن دو دولت ادامه یافته بود و به جای موشک دنبال گفتمان بودیم آمریکا و اسرائیل همه مردم ایران را قتل‌عام کرده و خاک کشورمان را شخم زده بودند! و توضیح نداده که اگر در فتنه ۸۸ نسخه کودتای رنگی جین‌شارپ و جورج سوروس که به خاتمی دیکته شده بود را عمل کرده بودیم، الان ایران در حلقوم آمریکا بود! و... کاش این مدعیان اصلاحات و سازندگی به جای شعارهای توخالی، برای اظهارات خود دلیل و سند می‌آوردند!

گفتم: استادی مشغول تصحیح ورقه امتحانی دانشجویان بود. یکی از دانشجویان روی ورقه نوشته بود جواب سؤال را در پشت صفحه نوشته‌ام! استاد، پشت صفحه را نگاه کرد. نوشته شده بود «استاد جان، آوردمت این‌جا که خلوت باشه و کسی نبینه که چیزی بلد نیستم! مرگ مادرت، صداشو در نیار و یک نمره قبولی بده و قال قضیه رو بکن»!

مسکو:

محاصره تنگه هرمز کاملاً غیرقانونی است

سخنگوی وزارت خارجه روسیه با تأکید بر غیرقانونی بودن محاصره تنگه هرمز و تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران گفت چنین اقداماتی هم از نظر حقوق بین‌الملل دریایی و هم از منظر اصول و موازین بشردوستانه کاملاً غیرقابل قبول است.

«ماریا زاخارووا»، سخنگوی وزارت خارجه روسیه در حاشیه جشنواره جهانی جوانان در شهر یکاترینبورگ گفت: «محاصره تنگه هرمز و تحریم‌های غیرقانونی، هم از نظر حقوق دریایی و هم از نظر موازین و اصول بشردوستانه، کاملاً غیرقابل قبول است».

طبق گزارش خبرگزاری روسی تاس، زاخارووا با اشاره به موضع مسکو درباره تحولات تنگه هرمز گفت روسیه از همان ابتدا و در عالی‌ترین سطح اعلام کرده است که وضعیت ایجادشده در این تنگه، نتیجه «تجاوز مستقیم و بدون هیچ‌گونه تحریک قبلی از سوی آمریکا و اسرائیل علیه ایران و مردم ایران» است.

وی درباره محاصره تنگه هرمز افزود: «این اقدام فقط از نظر حقوقی غیرقابل قبول نیست، بلکه با موازین و اصول بشردوستانه نیز در تضاد است. محاصره، تحریم‌های غیرقانونی و هر اقدامی که مانع تجارت عادی، ارتباطات و فعالیت‌های لجستیکی یک کشور مستقل از سوی کشور مستقل دیگر یا گروهی از کشورها شود، غیرقابل قبول و کاملاً غیرقانونی است».

سخنگوی وزارت خارجه روسیه همچنین ادامه داد که تنها راه قانونی برای اعمال محدودیت علیه فعالیت‌های کشورها، تحریم‌هایی است که از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد تصویب شده باشد.

زاخارووا در این‌باره گفت: «آیا شورای امنیت آنچه را که در تنگه هرمز رخ می‌دهد، تحریم کرده است؟ خیر. و اساساً نمی‌توانست چنین اقدامی را تصویب کند، زیرا آنچه در حال وقوع است، کاملاً غیرقانونی است».

آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه جنگ علیه ایران را آغاز کردند. در ماه ژوئن، واشنگتن و تهران یادداشت تفاهمی را امضا کردند که بر اساس آن، درگیری‌های نظامی در تمامی جبهه‌ها، از جمله لبنان، باید فوراً متوقف می‌شد.

با این حال، آمریکا بامداد ۸ ژوئیه حملات گسترده خود به ایران را از سر گرفت و تهران را به نقض مفاد توافق در ارتباط با تنگه هرمز متهم کرد.

حدود ۲۵ درصد از تجارت جهانی نفت و نزدیک به ۲۰ درصد از تجارت گاز طبیعی مایع‌شده جهان از طریق تنگه هرمز انجام می‌شود.

پس از آن، دولت آمریکا عملاً از کاهش استفاده از قدرت نظامی گسترده علیه ایران خبر داد و امید دارد که با اعمال فشار اقتصادی بر تهران از طریق تحریم‌ها بتواند تهران را تسلیم کند اما جمهوری اسلامی بارها تأکید کرده که به هیچ عنوان در مقابل سیاست زورگویی آمریکا تسلیم نخواهد شد.

ولایتی:

عراق همواره جایگاه ویژه‌ای در روابط ایران داشته است

مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل در دیدار بافل طالبانی رئیس اتحادیه میهنی کردستان عراق با وی تاکید کرد: عراق همواره جایگاه ویژه‌ای در روابط جمهوری اسلامی ایران داشته است.

بافل طالبانی رئیس اتحادیه میهنی کردستان عراق روز سه شنبه(۲۴ شهریورماه) با ولایتی مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل دیدار و درباره روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای گفت‌وگو و تبادل‌نظر کرد.

ولایتی در این دیدار با ابراز خرسندی از سفر بافل طالبانی، گفت: عراق همواره جایگاه ویژه‌ای در روابط جمهوری اسلامی ایران داشته و این موضوع همواره مورد تأکید امام شهید (قدس‌الله نفس الزکیه) بوده و همچنان دنبال می‌شود.

وی افزود: باید مراقب بود که به‌گونه‌ای عمل نشود که طمع برخی کشورها، به‌ویژه رژیم‌های آمریکا و کودک‌کش صهیونیستی، برانگیخته شود. ما و شما به‌عنوان دو کشور همسایه و مقتدر، در کنار هم می‌توانیم بر همه مشکلات فائق آییم.

بافل طالبانی نیز در این دیدار ضمن ابراز دوستی و همدلی ملت عراق با جمهوری اسلامی ایران، گفت: حضور من در ایران و نزد شما که بیشترین تأثیر را در روابط دوجانبه داشته‌اید و چهره‌ای نام‌آشنا نه‌تنها در عراق بلکه در جهان هستید، به‌منظور انتقال این پیام است که ما همواره در کنار شما خواهیم بود.

وی افزود: دوستی شما با مرحوم جلال طالبانی، سنگ‌بنای محکمی در روابط دوجانبه ایران و عراق و اقلیم کردستان بوده است. باید توجه داشت که برخی رخدادها از سوی برخی افراد، ناشی از بی‌توجهی به شرایط حساس جهانی است که البته جمهوری اسلامی با درایت به آن توجه دارد.

به گزارش مهر، بافل طالبانی گفت: ما یقین داریم دیگران، از هر ملیت و قومی، می‌آیند و می‌روند اما آنچه می‌ماند همجواری میان عراق و ایران است که ابدی خواهد ماند و این مهم، سرمایه و پشتوانه بزرگی در روابط دو کشور به‌شمار می‌آید.

بقائی: گردشگری و میراث فرهنگی به مؤلفه قدرت نرم ایران تبدیل شده‌اند

سخنگوی وزارت امور خارجه میراث تاریخی و تمدنی ایران را بخشی از قدرت نرم کشور و ابزاری راهبردی برای مقابله با جنگ روایت‌ها دانست و گفت: در شرایطی که حتی هویت و تمدن ایران هدف روایت‌سازی و تهدید قرار گرفته، باید از ظرفیت تاریخ و تمدن کشور برای ارائه تصویر واقعی ایران به جهان استفاده کرد.

دوره عالی «ایران در آیینه جهان؛ دیپلماسی میراث، فرهنگ و روایت تمدنی» با هدف تعمیق نگاه راهبردی به ظرفیت‌های میراث‌فرهنگی، فرهنگ و روایت تمدنی ایران در عرصه بین‌المللی، روز سه‌شنبه (۲۴ شهریورماه) با حضور جمعی از صاحب‌نظران حوزه‌های دیپلماسی، رسانه و همکاری‌های فرهنگی و همچنین مدیران، کارشناسان و نمایندگان ادارات استانی وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در سالن فجر این وزارتخانه برگزار شد. بقائی با اشاره به تغییر شرایط بین‌المللی و ضرورت بازتعریف مفهوم دیپلماسی فرهنگی اظهار کرد: تا یک سال و نیم قبل ممکن بود نگاه ما به دیپلماسی فرهنگی با نگاه امروز تفاوت داشته باشد، اما تحولات اخیر نشان داد که باید با رویکردی متفاوت و متناسب با شرایط جدید به این حوزه نگاه کنیم.

وی افزود: اگر در گذشته گردشگری عمدتا در چارچوب یک رفتار تجاری و اقتصادی تعریف می‌شد، امروز و به‌ویژه در شرایط جنگ و بحران، باید این پرسش را مطرح کنیم که گردشگری چگونه می‌تواند به عاملی برای الهام‌بخشی، تقویت مقاومت، افزایش تاب‌آوری و انتقال تصویر واقعی ایران تبدیل شود.

جنگ روایت‌ها علیه ایران

سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به نقش جنگ روایت‌ها در منازعات معاصر گفت: کشورهای متخاصم پیش از اقدام نظامی علیه یک کشور، معمولا مجموعه‌ای از زمینه‌سازی‌های سیاسی، رسانه‌ای و تبلیغاتی را دنبال می‌کنند و با استفاده از لفاظی و روایت‌سازی، تلاش دارند وجهه و تصویر آن کشور را تخریب کنند؛ در دو جنگ اخیر نیز شاهد شکل‌گیری چنین روایت‌هایی علیه ایران بودیم. بقائی ادامه داد: امروز تردیدی وجود ندارد که جنگ میان ایران و آمریکا ابعاد تمدنی نیز پیدا کرده است و در چنین شرایطی باید نشان دهیم روایت‌هایی که دشمن درباره ایران ارائه می‌کند، فاقد اعتبار است. مهم‌ترین راه اثبات این واقعیت نیز گفت‌وگو، روایت‌گری و ارائه تصویری مستند از ایران است.

وی با اشاره به مواضع و اظهارات مقام‌های آمریکایی درباره ایران گفت: در جریان این تقابل، حتی درباره تمدن و میراث تاریخی ایران نیز اظهارنظرهایی مطرح شد و تهدیدها و ادعاهایی درباره هدف قرار دادن داشته‌های تمدنی ایران مطرح شد؛ موضوعی که نشان می‌دهد مسئله طرف مقابل با هویت، تاریخ و تمدن ایران نیز مسئله پیدا کرده است.

سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: وقتی درباره تمدن ایران صحبت می‌کنیم، درباره بخشی از هویت و حافظه تاریخی یک ملت صحبت می‌کنیم. از این منظر، تهدید میراث تاریخی و تمدنی ایران را باید در چارچوب جنگ روایت‌ها و تلاش برای تضعیف هویت تاریخی کشور نیز تحلیل کرد.

میراث تاریخی بخشی از قدرت نرم ایران

بقائی با تاکید بر اهمیت ظرفیت‌های تاریخی و تمدنی کشور تصریح کرد: یکی از موضوعات مهم برای ما، استفاده هدفمند از ظرفیت‌های تمدنی و تاریخی ایران است و نباید اجازه دهیم در عرصه جنگ نرم و روایت‌سازی، بازنده باشیم.

وی گفت: ایران در جنگ روایت‌ها توانسته است دستاوردهای مهمی به دست آورد و در جنگ روایت پیروز شدیم. ترکیبی از استفاده حداکثری از ظرفیت روایت تمدنی ایران، زمینه شکل‌گیری یک شبکه دیپلماسی عمومی را فراهم کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به جایگاه روایتگری در منازعات امروز افزود: در هر جنگی، روایت، روایت‌گری و روایت‌گران از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و یکی از ارکان مهم روایت ایران، معرفی پیشینه تاریخی و تمدنی کشور است؛ چرا که تاریخ و تمدن ایران بخشی از واقعیت هویتی این سرزمین و یکی از مهم‌ترین ابزارهای ما برای ارائه تصویر واقعی ایران به جهان است. بقائی تاکید کرد: آثار تاریخی و تمدنی ایران اگر در گذشته فقط به‌عنوان جاذبه‌های گردشگری شناخته می‌شدند، امروز به مؤلفه قدرت برای کشور تبدیل شده‌اند و باید آنها را بخشی از قدرت نرم ایران دانست.

گنج ایران، مردم ایران هستند

سخنگوی وزارت امور خارجه در ادامه با اشاره به جایگاه مردم در قدرت ملی ایران اظهار کرد: گنج ایران، مردم ایران هستند. ما تصمیم گرفته‌ایم روی پای خودمان بایستیم و در بیرون از کشور متحدی نداریم؛ اما مردم، بهترین متحد برای یکدیگر هستند. وی با تاکید بر ضرورت پیوند میان مردم، روایت تمدنی و دیپلماسی عمومی گفت: اگر بتوانیم ظرفیت‌های تاریخی و تمدنی کشور را با مردم و روایت درست از ایران پیوند بزنیم، می‌توانیم تصویری واقعی‌تر و مؤثرتر از ایران را در افکار عمومی جهان شکل دهیم.

به گزارش ایرنا، بقائی خاطرنشان کرد: صیانت و معرفی میراث تاریخی ایران باید در منظومه دیپلماسی عمومی و روایت تمدنی کشور جایگاه شایسته خود را پیدا کند؛ چرا که میراث ایران نه فقط متعلق به گذشته، بلکه بخشی از سرمایه راهبردی کشور برای ساختن تصویر ایران در جهان امروز است.

خبر ویژه

خشم رسانه عبری از «مچ‌گیری» کیهان

شبکه ۱۲ رژیم صهیونیستی پس از «مچ‌گیری» کیهان به تکاپو افتاده و با ترفند «فرار به جلو» نوشت: «نشست عمان با هدف «ماست‌مالی» اقدام ایران علیه عمان در تنگه هرمز بود». روزنامه کیهان روز یکشنبه با تیتر «عمان حافظ منافع آمریکاست، نشست مسقط تله است» نسبت به حضور ایران در «صلاله» هشدار داد و با تیتر «دیکته آمریکا به عربستان، ثابت کرد نشست عمان تله بود» علت تعویق را بررسی کرد. کیهان نسبت به این ابتکار فریبنده منطقه‌ای هشدار داد و با طرح پرسشی نوشت: «سؤال اساسی و حیاتی این است در شرایطی که دشمن در میدان نظامی و کارزار اقتصادی به درهای بسته خورده، چرا باید دست برتر و کارت برنده ایران در تنگه هرمز، روی میز مسقط گذاشته شود؟».

یک روز پس از هشدار کیهان، نشست مسقط به درخواست عربستان که به عنوان مستمع دعوت شده بود توسط عمان به تعویق افتاد. در پی مچ‌گیری و پیش‌بینی صحیح کیهان، دست دشمن رو شده و نشست عمان به تعویق افتاد؛ تعویقی که خشم رسانه‌های عبری چون «N۱۲» و «Globes» را به همراه داشت.

۲۵ شهریور ۱۴۰۵؛ چند روز پس از گزارش کیهان و تعویق نشست صلاله، بخش خبری شبکه ۱۲ رژیم صهیونیستی از گزارش کیهان خشمگین شد و نوشت: «روزنامه محافظه‌کار کیهان ادعا کرد که عربستان سعودی از تشدید تنش با حوثی‌ها و حملات به زیرساخت‌های عربستان سعودی به عنوان بهانه‌ای برای خرابکاری در این نشست استفاده می‌کند». در ادامه گزارش این رسانه عبری آمده است: «حسین شریعتمداری، سردبیر کیهان ادعا کرد که این توافق پیشنهادی به ایالات متحده «فضای تنفس» می‌دهد و ایران نیازی به مذاکره با سایر کشورهای خلیج‌فارس در مورد بازگشایی تنگه هرمز ندارد». پس از فاش شدن نیت دشمن و تعویق «تله صلاله»، رسانه‌های عبری‌زبان برای سرپوش گذاشتن بر نقش آمریکا و کمرنگ کردن تاثیر آن بر روند، سرنوشت و نتیجه نشست، صورت مسئله را پنهان کردند و با «فرار به جلو» نوشتند: «هدف از این گردهمایی، ماست‌مالی‌کردن اقدام ایران بود».

باج ۵۰۰ میلیارد دلاری تیم مذاکره و پاسخ تحقیرآمیز ترامپ

اظهارات اخیر سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس، پرده از یک خطای محاسباتی سهمگین برداشت؛ جایی که «ساده‌لوحی» جای خود را به عقلانیت داده بود. حسن قشقاوی اعلام کرد که پیش از آغاز جنگ ۱۲ روزه و در جریان سه دور مذاکرات ژنو، ایران «پیشنهاد همکاری اقتصادی به ارزش حدود ۵۰۰ میلیارد دلار به شرکت‌های آمریکایی ارائه کرد». او تأکید کرد که «این پیشنهاد در حوزه‌های مختلف از جمله نفت و گاز، معدن، محیط‌زیست و حمل‌ونقل تنظیم شده بود و مسئولان اقتصادی و وزارت امور خارجه برای ارائه این ظرفیت‌ها در مذاکرات حضور داشتند.» قشقاوی با اشاره به این پیشنهاد متوهمانه اظهار داشت که «هدف این بود که با نشان دادن فرصت‌های اقتصادی و سودآوری، زمینه همکاری شرکت‌های آمریکایی با ایران فراهم شود.» اما حقیقت تلخ این بود که واشنگتن از مدت‌ها قبل دندان خود را برای تجزیه و بلعیدن ایران تیز کرده بود. به گفته سخنگوی کمیسیون امنیت ملی، «این پیشنهاد بر این تصور استوار بود که رویکرد تجاری ترامپ می‌تواند با مشاهده منافع اقتصادی تغییر کند؛ اما در نهایت، حتی ارائه پیشنهاد همکاری ۵۰۰ میلیارد دلاری نیز مانع شکل‌گیری تنش و جنگ نشد.»

این رؤیافروشی نافرجام، محصول توهمات جریان ناکارآمدی است که سال‌هاست کشور را با آدرس‌های غلط اداره می‌کند. در همین راستا، حسین مرعشی، دبیرکل کارگزاران سازندگی نیز با ادعایی عجیب مدعی شده بود: «ایران در مجموع حدود ۲۵۰۰ میلیارد دلار ظرفیت سرمایه‌گذاری دارد؛ ظرفیتی که اگر فعال شود، می‌تواند موتور اقتصاد ایران و حتی اقتصاد منطقه را به حرکت درآورد.» الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت نیز در ادعائی مشابه راه نجات را در سازش دیده بود و گفت: «ما ۲۰۰۰ میلیارد دلار پروژه در کشور تعریف کردیم و می‌خواهیم با آمریکا مذاکره کنیم تا امکان ورود سرمایه‌گذاران را تسهیل کنیم.»

وقتی بلاهت کنتور نیندازد، مسابقه خالی‌بندی و گدایی سرمایه از دشمنی که خنجر را از پشت می‌زند، تنها نتیجه‌اش جنگ و تحریم است. ترامپ نه با چک‌های ۵۰۰ میلیارد دلاری متوقف شد و نه با خطای محاسباتی رؤیافروشان؛ او از در جنگ وارد شد تا ثابت کند اعتماد به سراب سازش، جز تحقیر و تهدید حاصلی ندارد.

سقوط آزاد اسپایدرمَن عینکی ترامپ!

مصاحبه جنجالی و سراسر تناقض شبکه CBS با کسی که مدعی است خلبان جنگنده ساقط‌شده آمریکایی در خاک ایران بوده را از هر زاویه‌ای که نگاه کنیم، نه عقلانی است و نه قابل‌هضم. سناریویی آبکی که بیش از آنکه یک روایت مستند نظامی باشد، شبیه به شوهای وقت پُرکن هالیوودی برای ترمیم آبروی رفته ارتش تروریست آمریکاست. انتشار این گفت‌وگو با فشار مستقیم پیت هگزت، وزیر جنگ رژیم تروریست آمریکا -آن هم با تأخیری ۶ ماهه- روی آنتن رفت؛ نمایشی که حتی صدای رسوایی‌اش از رسانه‌ای چون بی‌بی‌سی فارسی هم درآمد و واکنش تند کاربران شبکه‌های اجتماعی را به همراه داشت. فردی که با نام «سرهنگ جاناتان بات» جلوی دوربین نشست، ادعا کرد پس از سقوط با سرعت ۱۶۰ کیلومتر بر ساعت و شکستگی کمر، تا ارتفاع ۷۰۰۰ پایی از صخره‌ها بالا رفته است! روایت مضحکی که با اشک و آه، توسل به واژه «معجزه» و مظلوم‌نمایی، تلاش داشت عواطف مردم آمریکا را تحریک کند. اما آقای خلبان عینکی توضیحی نداد که خداوندی که از آن دم می‌زند، درباره جنایت میناب و تجاوز به خاک ایران چه نظری دارد؟ و اساساً از کی تا حالا نیروی هوائی آمریکا خلبان جنگنده را با عینک ته‌استکانی به ماموریت پرخطر می‌فرستد؟! از روز ۱۴ فروردین که F15 آمریکایی توسط پدافند ایران در کوهستان‌های کهگیلویه و بویراحمد زمین‌گیر شد تا امروز، صفر تا صد این ماجرا فقط یک تصویر را مخابره می‌کند: «شکست قطعی ترامپ». این دستپاچگی رسانه‌ای دو علت بیشتر ندارد؛ نخست چنگ زدن ترامپ به هر ابزاری در آستانه انتخابات برای احیای پایگاه رأیِ از دست رفته‌اش، و دوم استفاده رسانه‌های آمریکایی از تکنیک «گذر زمان» تا شاید با بازسازی چهره یک شکست‌خورده، رسوایی ساقط شدن پیشرفته‌ترین جنگنده‌شان به دست پدافند ایران را بپوشانند. افتضاحی که با هیچ ترفندی پاک نخواهد شد.

تأکید رئیس سازمان انرژی اتمی بر اهمیت توسعه پزشکی هسته‌ای و صنعت رادیوداروها

رئیس سازمان انرژی اتمی در پیامی به بیست و ششمین کنگره بین‌المللی سالانه پزشکی هسته‌ای ایران بر اهمیت توسعه پزشکی هسته‌ای و صنعت رادیوداروها و نقش این حوزه در ارتقای سلامت جامعه تاکید کرد.

محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران روز چهارشنبه(۲۵ شهریورماه) پیامی را برای بیست و ششمین کنگره بین‌المللی پزشکی هسته‌ای صادر کرد که در آیین آغاز به کار بیست و ششمین کنگره بین‌المللی سالانه پزشکی هسته‌ای ایران قرائت شد. به گزارش مهر، متن این پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

اساتید برجسته، پژوهشگران سخت‌کوش و فرهیختگان عرصه دانش و پزشکی هسته‌ای، با قلبی سرشار از امید و افتخار، برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان این کنگره علمی باشکوه را که تجلی اراده ملی و بهره‌گیری هوشمندانه و صلح‌آمیز از دانش هسته‌ای است، صمیمانه گرامی و پاس می‌دارم و برگزاری آن را به همه دلسوزان پیشرفت علمی پزشکی هسته‌ای کشور تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران بر اساس ماموریت تاریخی و راهبردی خود همواره بر این باور بوده است که دانش هسته‌ای نه تنها در عرصه انرژی و صنعت محاسبه می‌شود بلکه باید به عنوان سرمایه ملی و تمدن‌ساز در خدمت رفاه، سلامت و کرامت انسانی قرار گیرد؛ از این رو توسعه هدفمند و پایدار پزشکی هسته‌ای و صنعت رادیوداروها، یکی از ارکان اصلی برنامه راهبردی سازمان انرژی اتمی در سال‌های اخیر و همچنان در صدر اولویت‌های ما قرار دارد.

ما بر این اعتقاد راسخ هستیم که پزشکی هسته‌ای، جلوه درخشان پیوند علم، فناوری و انسان دوستی است و می‌تواند نقش بی‌بدیلی در ارتقای سلامت و تحقق عدالت در ارائه خدمات درمانی پیشرفته ایفا کند.

ما بر این باوریم که آینده پزشکی هسته‌ای، آینده‌ای سرشار از امید و دستاورد خواهد بود؛ آینده‌ای که در آن راه‌حل‌های جامع پزشکی هسته‌ای با همگرایی و هم‌افزایی بیش از پیش در خدمت تشخیص دقیق و درمان هدفمند و ارتقای کیفیت زندگی انسان‌ها قرار دارد. این رویداد بین‌المللی با حضور اندیشمندان و متخصصان برجسته، فرصتی ارزشمند برای تبادل تجربه و هم‌افزایی علمی و ترسیم افق‌های دور در این مسیر راهبردی است.

سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران با تمام ظرفیت و توان خود در خدمت جامعه علمی پزشکی هسته‌ای کشور است تا وظیفه خود را در تحقق ایران قوی سالم و پیشرفته ادا کند.

خوشحالیم تبریز بی‌شک زادگاه قهرمان ملی با تاریخچه‌ای غنی و فرهنگی و پررنگ به عنوان یکی از قطب‌های علمی و درمانی کشور، امروز میزبان نشست ششمین کنگره سالیانه پزشکی هسته‌ای کشور است. امیدواریم این کنگره زمینه‌ساز هم‌افزایی هرچه بیشتر نخبگان و تقویت مرجعیت علمی ایران شود.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* عملیات اخیر خیره‌کننده رزمندگان یمنی علیه سعودی‌ها که فرار را بر قرار ترجیح داده و مواضع مستحکم خود را رها و با پشت سر گذاشتن پیشرفته‌ترین تجهیزات به عمق خاک عربستان گریختند، ما را به یاد فرار مفتضحانه آمریکایی‌ها از افغانستان انداخت!

بهرامی

* رهبر شهید انقلاب در ۱۲ شهریور ۱۳۹۵، ضمن بازخوانی تاریخ، متذکر شدند: «جنگ تحمیلی به خاطر این اتّفاق افتاد که دشمن در ما احساس ضعف کرد. اگر دشمن بعثی و محرّکینش خاطرجمع نبودند که سرِ چند روز به تهران خواهند رسید -آنها این جوری فکر می‌کردند- این جنگ انجام نمی‌گرفت؛ آنها در ما احساس ضعف کردند. احساس ضعف شما، موجب تشویق دشمن به حمله است؛ این یک قاعده کلّی است!» قابل توجه دولتمردان به‌ویژه دستگاه دیپلماسی!

شادمند

* خدا را سپاس می‌گوییم که با مجاهدت دلاورمردان یمن امروز تنگه باب‌المندب که شریان حیاتی انتقال نفت و تجارت شرق و غرب و گلوگاه تنفسی رژیم صهیونیستی در بندر ایلات است زیر رصد مستقیم سامانه‌های موشکی و پهپادی مقاومت قرار گرفت.

مشیدی

* با توجه به تأکید رهبر شهید انقلاب بر لزوم اصلاح رویه‌های مدیریتی در کشور، مدیران دستگاه‌ها باید به سمت اصلاح رویه‌ها، رشد بهره‌وری، استفاده از فناوری‌های نو، هوش مصنوعی و حذف هزینه‌های غیرضرور حرکت کنند. برای این کار باید اعتماد به نفس لازم برای اقدامات شجاعانه در سازمان‌ها و مدیران ایجاد بشود.

خیری

* تحلیلگران نظامی معتقدند طولانی شدن جنگ با ایران محدودیت‌های نیروی دریایی آمریکا را آشکار می‌کند. گزارش‌های رسیده در این مورد نیز نشان می‌دهد بسیاری از کشتی‌های جنگی آمریکا در حال تعمیر هستند و نیروی دریایی با کمبود کشتی‌های موجود مواجه است.

معدن‌کن

* یکی از ادعاهایی که این روزها آمریکایی‌ها بر آن تأکید داشتند این است که ایرانی‌ها توان آفندی خود را برای مواجهه با شناورهای آمریکایی و پایگاه‌های آنها از دست داده‌اند، اما حملات ایران به تأسیسات آمریکایی‌ها خصوصاً ناوهای نظامی آنها نشان داد که ایران در کنار اراده، ابزار کافی برای مواجهه با آمریکایی‌ها را نیز دارد.

کارگر

* نشریه آمریکایی «ریزن» در گزارش خود آورده جنگ با ایران وارد ششمین ماه خود شده و آمریکا با وجود هزینه‌های سنگین نظامی و اقتصادی، نتوانسته است به اهداف خود دست یابد و افکار عمومی آمریکا نیز به طور فزاینده‌ای از این جنگ ناراضی هستند.

نعمتی‌راد

* دان بَری، نویسنده صهیونیست و سردبیر پیشین آسوشیتدپرس در اروپا، آفریقا و خاورمیانه، در یادداشتی در روزنامه معاریو هشدار داد که اگر کابینه آتی رژیم صهیونی برنامه‌ای را که وی «طرح نجات ملی» توصیف کرده و هدف آن مقابله با پیامدهای جنگ، انزوای بین‌المللی و شکاف‌های داخلی است، در پیش نگیرد، ممکن است اسرائیل حتی تا سال ۲۰۴۸ نیز دوام نیاورد.

شیری

* گاردین با انداختن تصویری از یک خانم با پوشش مانتو گشاد، نوشته یک مُد پوشیده (عفیفانه) علی‌رغم خصومت‌های سیاسی، در حال گسترش است. عرض می‌کنم بعد از صد سال برهنگی و بی‌عفتی، اروپا در حال حرکت به سمت حجاب و عفاف است. جالب است که تازه بعضی‌ها در داخل مسیری را شروع کردند که اروپایی‌ها صد سال پیش آغاز کرده بودند و الان پشیمان شده‌اند.

امیری‌نسب

* بانک مرکزی هلند اعلام کرده که در فاصله مارس تا اوت ۲۰۲۶، حدود ۸۶ تن از ذخایر طلای خود را از محل نگهداری در آمریکا و کانادا به لندن منتقل کرده است که بیش از یک‌چهارم طلای هلند در این دو کشور را شامل می‌شود. در فرانسه نیز گزارش‌هایی درباره انتقال ۱۲۹ تن طلای باقیمانده در فدرال رزرو نیویورک به داخل این کشور مطرح شده است. این حرکات بیانگر فرار طلاهای اروپا از آمریکا است.

محمدی

* هیچ تفاهمی میان ما و شیطان بزرگ وجود ندارد. راهبرد حکیمانه، همان است که امام خمینی(ره) در تاریخ دوم فروردین ۱۳۶۸ فرمود: «امروز بیشتر از هر زمانی، کینه و دشمنی استکبار علیه اسلام ناب محمدی (ص) برملا شده است... غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی‌تان- به خیال خام خودشان- بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست... همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید؛ که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند.» (جلد ۲۱ صحیفه نور- صفحه ۳۲۹)

شادمند

* آیا حضور کشورهای حاشیه خلیج فارس در نشست مسقط، اهانت به ملت ایران و نیروهای مقاومت نیست؟ مگر این کشورها در جنگ‌های دوازده روزه و رمضان، قتل‌عام مردم مظلوم لبنان و غزه و کرانه باختری و یمن، بخشی از ابواب جمعی شیطان بزرگ نبودند؟! چگونه می‌توان از این دولت‌های دست‌نشانده و مزدور با عنوان ناظران بیطرف و یا ناظران صحنه! یاد کرد؟!

صیدی

* با توجه به ده‌ها بار نقض عهد از سوی آمریکای مکار، اما هنوز هم مسئولان دستگاه دیپلماسی دقت لازم را به خرج نمی‌دهند. انتظار این است که تا شیطان بزرگ به تعهدات خود عمل نکرده هرگونه مذاکره و تصمیم درباره تنگه هرمز را متوقف کرده و به بعد از انجام تعهدات آمریکا موکول کنند.

آبایی

* تا قیمت نفت بالا می‌رود ترامپ دیوانه یاد مذاکره می‌افتد و عده‌ای هم در داخل جنایات و شرارت‌های آمریکایی‌ها را فراموش کرده و سریع از مذاکره و توافق سخن می‌گویند! که این موضوع باعث می‌شود قیمت نفت کاهش یابد و به ترامپ قمارباز فشار وارد نشود!

راهزانی

* براساس آمار منتشره سال ۲۰۲۲ از ۴۱۱ رآکتور فعال در جهان، سهم آمریکا ۹۲، فرانسه ۵۶، چین ۵۵، روسیه ۳۷، کره جنوبی ۲۴، انگلستان ۱۱، پاکستان ۶ و امارات متحده عربی ۳ رآکتور می‌باشد که به ترتیب فرانسه، روسیه و آمریکا، ۶۳، ۱۹ و ۱۸ درصد برق مورد نیاز خود را از طریق نیروگاه‌های هسته‌ای تأمین می‌کنند. آن وقت این خبیثان ما را از داشتن این نعمت می‌خواهند محروم کنند!

طهوری

* حکومت جولانی تحت تأثیر تبعات جنگ ترامپ کودن، مجبور شد قیمت سوخت را افزایش دهد. حماقت ترامپ در ورود به جنگ با ایران باعث افزایش بی‌سابقه قیمت سوخت در جهان شد.

جمالی

* خداوند گویا اراده کرده است که لشکر شیطان بزرگ در خلیج‌فارس غرق شود. ان‌شاءالله امت مبعوث شده با صبر و استقامت آرزوی شیطان بزرگ را ناکام خواهد گذارد و به چشم خود حقارت و شکست دشمن را به نظاره خواهد نشست.

فرامرزی

* نظرسنجی جدید مشترک خبرگزاری رویترز و مؤسسه ایپسوس نشان می‌دهد ۷۱درصد از آمریکایی‌ها از نحوه مدیریت هزینه‌های زندگی توسط ترامپ ناراضی هستند. همچنین فقط ۳۶ درصد از مردم، جنگ علیه ایران را تأیید می‌کنند. بر اساس این نظرسنجی محبوبیت ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به پایین‌ترین سطح از زمان روی کار آمدن او در ژانویه ۲۰۲۵ یعنی فقط ۳۳ درصد رسیده است. این نظرسنجی در میان یک هزار و ۱۶۷ بزرگسال آمریکایی با حاشیه خطای ۳ درصد انجام شده است.

رحمت‌پناه

* امروز پس از شش ماه جنگ، ترامپ در بن‌بستی قرار گرفته که خودش آن را ایجاد کرده است. افکار عمومی آمریکا از جنگ خسته شده، اقتصاد تحت فشار است و جمهوری‌خواهان نگران انتخابات میان‌دوره‌ای هستند. در مقابل جمهوری اسلامی ایران با اقتدار تمام، در میدان ایستاده و نشان داده که هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را به زانو درآورد.

افشاری‌راد

* در سازمان برنامه و بودجه، اولویت‌های بودجه ۱۴۰۶ باید بر سه محور «ثبات، بازسازی و تاب‌آوری» تعیین گردد. «ثبات» برای مهار بی‌ثباتی اقتصاد کلان، «بازسازی» برای احیای سرمایه و ظرفیت‌های تولید و «تاب‌آوری» برای افزایش توان اقتصاد در مواجهه با شوک‌های آتی.

صومعه

* اسم فیلمی که «لاله مرزبان» به‌خاطرش در خارج جایزه گرفت «مراقبت» است اما در جشنواره ونیز با نام «خانه فروپاشیده» پخش شد. خانه در ادبیات سینما، نماد کشور می‌تواند باشد. و اینها با بی‌چشم و رویی و بی‌انصافی تمام فضای کنونی کشور را برای خارج از کشور این‌گونه به تصویر کشیده‌اند.

والامنش